

دعا و نیایش در غنای سبک زندگی

(با تکیه بر اشعار نسخ مصور فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ)

چکیده

دعا و نیایش در شعر فارسی، نشان از تلاش بنده برای اتصال به خالق است. شاعر فرصت ارزشمند همسخنی با خداوند را از طریق دعا قدر می‌شناسد و فارغ از رد یا قبول دعا، خود را وامدار و شکرگزار معبود می‌داند. دعا در شعر بزرگان ادب فارسی، به‌ویژه در چهار رکن و ستون این ادبیات گران سنگ (فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ) به معنی واقعی، منشأ آسمانی و قرآنی پیدا می‌کند و نتیجهٔ لطف و رحمت بی‌منتهای کردگار عالم است که بر بندگان منت می‌گذارد و فرصت دعا و شهد جان‌فزای نیایش را به خاصان خود می‌دهد. مسئله پژوهش حاضر چگونگی انعکاس مقوله دعا و نیایش در نسخ مصور برجای مانده از شاعران بزرگ ایرانی فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی است. در این پژوهش تلاش خواهد شد به این سؤال که تفاوت طرز نگاه و سبک شعری آن‌ها- با توجه به گوهر و فطرتی که داشتند- به بحث دعا و نیایش، علی‌رغم داشتن هدف غایی مشترک که متعالی ساختن روح و روان آدمی است، در حد وسع و طاقت پاسخ داده شود. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشتهٔ تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که دعا و نیایش در آثار این استوانه‌های ادب فارسی از سرِ درد و نیاز و زاری است و یک نوع احتیاج و التجا است و درواقع کلید گشایش است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی دعا و نیایش در شعر فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی.
۲. بررسی مسئله دعا و نیایش در نسخ مصور آثار فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی.

سؤالات پژوهش:

۱. دعا و نیایش در شعر فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی چه جایگاهی دارد؟
۲. مسئله دعا و نیایش در نسخ مصور آثار فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی چگونه منعکس شده است؟

کلیدواژه‌ها: دعا، سبک زندگی، فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ.

مقدمه

دعا و نیایش از دلنشین‌ترین راه‌های اتصال بین بنده و خالق و حبل‌المتینی آرام‌بخش و راه‌گشا و از مؤثرترین شیوه‌ها برای غنای سبک زندگی است که قدمتی به تاریخ خلقت انسان دارد؛ چراکه نیایش و دعا بر زبان حضرت آدم (ع) و حوا (ع) نیز جاری و ساری بوده است. فطرت خداجوی انسان همیشه به‌دنبال راهی بوده است تا به سرچشمه لایزال الهی متصل شود و در هر زمان و به هر بهانه‌ای سعی در رسیدن به معشوق و معبود ازلی داشته است و این امر در شعر فارسی شکوهی مانا دارد. شعر شکوهمند فارسی، به سبب نظم و آهنگ منحصر به فرد و بار معنایی واژه‌ها، وقتی رنگ و بوی عرفانی می‌گیرد، بزرگی و جلال پیدا می‌کند. شعرای بزرگ ایران زمین، هنگامی که در برابر خداوند قرار می‌گیرند و با او هم سخن می‌شوند، کلامشان آسمانی می‌شود. دعا و نیایش ابراز بندگی به درگاه حضرت حق است و هرچه این امر با صداقت و صفای باطن صورت پذیرد، زیباتر و اثرپذیرتر خواهد بود. دعا، تدبیر و تعلیمی است که قرآن و روایات و اهل بیت (ع) به ما آموخته‌اند که از این سلاح اثرگذار و کارا بهره ببریم و جای بسی خوش‌وقتی است که زیباترین و دل‌نشین‌ترین بخش‌های ادبیات را نیایش‌ها و مناجات‌هایی تشکیل می‌دهند که شعرا و نویسندگان از زبان خود و یا شخصیت‌های شعری‌شان در هر مقام و رتبه‌ای که بوده‌اند از سر درد و نیاز با حالت تواضع و زاری سروده‌اند و هرچه دردش بیشتر، اثرگذاری‌اش بیشتر. چهار شاعر بزرگ این سرزمین (فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ) که وجدان بیدار جامعه ایرانی به‌شمار می‌روند و آئینه تمام‌نمای سبک زندگی ایرانی-اسلامی این سرزمین‌اند و در این امر پیشگام می‌باشند، با توجه به منش و شخصیتی که داشتند به جایگاه و آثار دعا در زندگی فردی و اجتماعی با زبان و سبک خاص شعری خود پرداخته‌اند و به آن غنا بخشیده‌اند.

تاکنون در بحث دعا و نیایش در شعر برخی از شعرا، به تعداد انگشت‌شمار کتاب، نوشته شده است. از جمله «مناجات و دعا در شعر فارسی» از احمد احمدی بیرجندی (۱۳۷۵) که تنها به معرفی نمونه‌هایی از نیایش‌های سروده شده در اشعار حدود ۴۰ نفر از شعرای ایران پرداخته است. کتاب دعا و نیایش از محمد کرمانی (۱۳۸۲) که پژوهشی در مسئله دعا و معرفی دعا‌های مثنوی مولوی است و همچنین کتاب سرود نیایش از علی جهانپور (۱۳۹۴) که نگاهی به نیایش‌های فردوسی در شاهنامه دارد و تعدادی مقاله که هر کدام به‌صورت جداگانه به اهمیت دعا و نیایش در شعر یکی از شعرای زبان فارسی و بیشتر فردوسی و تا حدودی مولوی و اندک تعدادی به سعدی و حافظ پرداخته‌اند. مقاله «شهد دعا در اشعار حافظ» از ایوب هاشمی (۱۳۸۹)، مقاله «سبک و شیوه عطار در نیایش» از فریده داودی مقدم (۱۳۹۶)، مقاله پژوهشی «مطالعه دعا و نیایش در شاهنامه فردوسی» از شمس‌الحاجیه اردلانی (۱۳۹۳)، پایان‌نامه «دعا در شاهنامه» معصومه مشفق (۱۳۹۰) و پایان‌نامه «دعا و مناجات در شاهنامه فردوسی» از حجت خوشه‌چین (۱۳۷۹) از جمله این تحقیقات صورت گرفته است که هر کدام در اثر پژوهشی خود به تعریف دعا و نیایش پرداخته و نمونه‌هایی از شعر شاعران مورد بحث را به‌عنوان شاهد آورده‌اند. اما پژوهش جامع و کاملی مطابق اهداف این مقاله در بحث جایگاه دعا و نیایش به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار غنای سبک زندگی در شعر چهار شاعر نامدار ادب فارسی ارائه نشده است. در عصر حاضر بیش از هر زمان دیگری، نیازمند به بهره بردن از آثار این بزرگان می‌باشیم که کلامشان برگرفته از قرآن

و روایات و احادیث گران‌سنگی است که از بزرگان دین گرفته‌اند. هرچند نوع کلام هریک از این استوانه‌های ادب پارسی به ظاهر متفاوت است؛ اما تمامی آن‌ها همّ و غمشان رسیدن به سرچشمهٔ لایزال الهی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشتهٔ تحریر درآمده است.

نتیجه‌گیری

باتوجه به اینکه دعا مغز عبادت است و دین بر پایه و محور عبادت بنا شده است، فضیلت و شایستگی دعا به‌عنوان کامل‌ترین و نزدیک‌ترین راه به‌سوی خداوند کاملاً مشهود است. طبق آیات محکم قرآن و احادیث و روایات معتبر، فضیلت و وجوب دعا امری حتمی است. دعا درواقع ابراز بندگی است و اصل در دعا خود خداست و استجاب و گرفتن خواسته، فرع آن است. دعا نشانهٔ نیاز و احتیاج به درگاه معشوق و معبود است و لذا هرچه ناز معشوق بیشتر، سوز و گداز عاشق افزایش پیدا می‌کند. دعا باعث ایجاد شور و نشاط دائمی انسان می‌شود و خستگی و خمودی در او راه پیدا نمی‌کند. دعا باعث امیدواری انسان می‌شود و شخص امیدوار، عزت‌نفس پیدا می‌کند و به‌نوعی خود باوری می‌رسد. دعا درواقع هدیه و بخشش خداوند است و کلید تقرب و نزدیکی به خداوند است تا قفل‌های حجاب و جدایی را بشکند. با حبل‌المتین دعا می‌توان خود را با مهرورزی و عشق به سرچشمهٔ فیض و رحمت الهی رساند. دعا عین زندگی است و آن هم از نوع الهی و پاک و لذا وقتی فرصت دعا برای بنده‌ای فراهم می‌شود؛ درواقع لطف و عنایت و رحمانیت خداوند برای وی محقق می‌شود. بزرگان، دعا را قبل از آنکه ابزار زندگی بدانند، آن را ابراز بندگی می‌دانند؛ چراکه دعا عرصهٔ شناخت درست و دقیق خداوند عالم است. در شعر شعراي مورد بحث نیز به عینه مشاهده شد که هرکدام از شاعران باتوجه به سبک و طرز بیان‌شان ترجمانی از کلام وحی و آیات و احادیث را در امر دعا به تصویر کشیده بودند. به‌عبارت دیگر دعا در دیدگاه این چهار پایه شعر و ادب فارسی، راه روشن و صادقانه‌ای است برای هم‌کلامی مخلوق با خالق، به‌نحوی که بنده ضمن ابراز مراتب بندگی، حس خوشایندی از این گفت‌وگوی صمیمانه به همراه آثار ارزشمند فراوانی که پیشتر بدان‌ها اشاره شد، خواهد برد.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

قرآن کریم.

- امینی، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). پیوند ادب و سیاست. چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بهار، محمدتقی (ملک‌الشعرا). (۱۳۷۷). سبک‌شناسی زبان و شعر فارسی. چاپ اول، تهران: انتشارات مجید.
- جهانچور، علی. (۱۳۹۴). سرود نیایش (نگاهی به نیایش‌های فردوسی در شاهنامه). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۹۱). دانشنامه جهان اسلام. جلد ۱۷، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- دیوان غزلیات حافظ شیرازی. (۱۳۶۶). بکوشش دکتر خلیل خطیب رهبر. چاپ چهارم، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
- دایره‌المعارف تشیع. (۱۳۷۸). جلد هفتم، تهران: نشر سعید محبی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۸). سر نی. چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی.
- زمانی، کریم. (۱۳۸۲). میناگر عشق (شرح موضوعی مثنوی معنوی). تهران: نشر نی.
- شاهنامه فردوسی از روی چاپ مسکو. (۱۳۷۵). به کوشش سعید حمیدیان، چاپ سوم، تهران: نشر قطره.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). سبک‌شناسی شعر. تهران: انتشارات میترا.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۴). ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، چاپ ۳۷، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- قریب، محمد. (۱۳۶۶). تبیین‌الغات لتبیین‌الآیات (فرهنگ لغات قرآن). تهران: انتشارات بنیاد.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۴). تفسیر نور. چاپ سیزدهم، جلد ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کرمانی، محمد. (۱۳۸۳)، دعا و نیایش (پژوهشی پیرامون مسئله دعا و معرفی دعا‌های مثنوی). تهران: به نشر.
- کلیات سعدی. (۱۳۷۸). به اهتمام محمدعلی فروغی. چاپ اول، تهران: نشر پیمان.
- مولانا، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۰). کلیات شمس تبریزی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، به کوشش اردوان بیاتی تهران: انتشارات دوستان.
- مولانا، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۸). مثنوی معنوی. به اهتمام رینولد تیکلسون، چاپ اول، تهران: انتشارات اهورا.